



## زهد قرآنی یعنی انسان در عین تولید ثروت، قلبش زنجیر مادیات نباشد

زهد قرآنی در آینه نهج البلاغه، تلاشی است برای ساختن انسانی که در عین حضور فعال در قلب تمدن و تولید ثروت، قلبش را در گرو زنجیرهای مادی قرار نداده است.

زهد قرآنی در آینه نهج البلاغه، تلاشی است برای ساختن انسانی که در عین حضور فعال در قلب تمدن و تولید ثروت، قلبش را در گرو زنجیرهای مادی قرار نداده است.

خبرگزاری مهر-گروه دین، حوزه و اندیشه: توجه دوباره به نهج البلاغه همزمان با آغاز نهضت اسلامی در اوایل دهه چهل شمسی است و متفکران انقلاب اسلامی به این کتاب شریف و مفاهیم آن توجه ویژه ای داشتند. اهتمام به این کتاب شریف را می توان در سخنرانی های حضرت آیت الله خامنه ای در کنگره نهج البلاغه که نخستین بار در بهار ۱۳۶۰ ایراد شد، مشاهده کرد؛ ما امروز در دنیای اسلام - که درک و دریافت و بینش اسلامی در آن گاهی با فاصله هایی به اندازه ی فاصله ی ایمان و کفر از هم دور هستند - با واقعیتی مواجه هستیم. امروز آشکارترین و روشن ترین حقایق اسلامی به وسیله ی بعضی از مدعیان اسلام در کشورهای اسلامی نادیده گرفته می شود. امروز همان روزی است که شعارها یکسان است اما جهت گیری ها به شدت مغایر یکدیگر است، امروز شرایطی مشابه شرایط دوران حکومت امیرالمؤمنین است، پس روزگار نهج البلاغه است.

در روزهای ماه مبارک رمضان که در مهمانی خدا شرکت می کنیم و در طرح قرآنی «زندگی با آیه ها» هر روز با یک آیه از قرآن کریم مأنوس هستیم، پسندیده است که آیه روز را از منظر امیرالمؤمنین علی علیه السلام و کتاب شریف نهج البلاغه نیز بررسی کنیم.

در نظام اندیشگی اسلام، پیوند میان آموزه های وحیانی و زیست اجتماعی، مسیری است که از قلب فرد آغاز شده و به ساختارهای کلان فرهنگی و اجتماعی منتهی می شود. یکی از کلیدی ترین این آموزه ها، مفهوم «زهد» است که علی رغم سوءبرداشت های تاریخی، در نهج البلاغه نه به معنای انزوا، بلکه به مثابه یک «فلسفه رهایی» برای کنشگری سالم در متن جامعه تعریف شده است. کانون این معنا در آیه ۲۳ سوره حدید نهفته است: «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (تا بر آنچه از دست داده اید افسوس نخورید و به آنچه به شما داده شده است، سرمستانه شادمانی نکنید). امیرالمؤمنین (ع) در حکمت ۴۳۹ نهج البلاغه، تمامیت زهد را در همین دو جمله کوتاه قرآن تبیین کرده و آن را به عنوان یک استراتژی روانی و اجتماعی برای انسان معاصر معرفی می فرماید.

آیه مورد بحث، بلافاصله پس از اشاره به «تقدیر و لوح محفوظ» آمده است. این پیوند معنادار نشان می دهد که نگاه نهج البلاغه به زهد، ریشه در یک امنیت روانی عمیق دارد. وقتی فرد بر اساس خطبه ۲۳ نهج البلاغه باور داشته باشد که «تقدیرهای الهی چون قطرات باران فرود می آیند و بهره هر کس به او می رسد»، دیگر در رقابت های ویرانگر اجتماعی برای کسب مال و مقام، خود را به آب و آتش نمی زند. از منظر فرهنگی، این باور جامعه را از «اضطراب موقعیت» نجات می دهد. در جوامعی که ارزش انسان با دارایی های او سنجیده می شود، فرد با از دست دادن مال، دچار فروپاشی شخصیت می گردد؛ اما نهج البلاغه با استناد به این آیه، شخصیت انسان را از تملکات او مستقل می کند.

حضرت در حکمت ۴۳۹ می فرمایند: «کسی که بر گذشته افسوس نخورد و به آینده (و آنچه می آید) شادمان نباشد، هر دو طرف زهد را گرفته است». این «طرفین زهد» در واقع دو ستون استقلال وجودی هستند. در نگاه اجتماعی، کسی که به داشته هایش «فرح» (شادی سرمستانه) ندارد، دچار تکبر و فخرفروشی نمی شود و کسی که بر نداشته هایش «أسی» (اندوه جانکاه) ندارد، دست به غصب حقوق دیگران یا حسادت نمی زند. این توازن، زیربنای یک فرهنگ متعالی است که در آن «داشتن» به معنای «بودن» نیست.

یکی از بزرگترین چالش های فرهنگی عصر حاضر، مصرف گرایی و اصالت لذت است. آیه ۲۳ سوره حدید با نهی از شادی مغرورانه بر نعمت ها، سدی در برابر «تفاخر» می سازد. امیرالمؤمنین (ع) در حکمت ۱۲۱، دنیا را «تجارت خانه اولیای خدا» می نامند. این یعنی زهد، ترک دنیا نیست، بلکه ترکی «دلبستگی به دنیا» است. در فرهنگ نهج البلاغه، زاهد کسی نیست که چیزی ندارد، بلکه کسی است که هیچ چیز «او را ندارد» و مالک او نیست.

این نگاه در ابعاد اجتماعی به معنای مسئولیت پذیری است. فردی که طبق آیه ۲۳ سوره حدید، به مال دنیا دلبسته نیست، به راحتی می تواند از حق خود به نفع محرومان بگذرد (ایثار). در حالی که فرهنگ «فرح به ما آتاکم» (شادی به داشته ها)، منجر به

انباشت ثروت و ایجاد شکاف طبقاتی می شود. حضرت در خطبه ۲۳ هشدار می دهند که «مال و فرزندان، محصول دنیا و عمل صالح، زراعت آخرت است». این مرزبندی فرهنگی، اولویت های یک جامعه پویا را تغییر می دهد؛ به جای رقابت در تجملات، رقابت در «خدمت» و «عمل صالح» جایگزین می شود.

جوامع بشری همواره با بحران های اقتصادی، فقدان ها و مصیبت ها روبرو هستند. آیه ۲۳ سوره حدید (لکیلا تأسوا علی ما فاتکم) یک داروی تسکین دهنده اجتماعی است. نهج البلاغه این آیه را به عنوان راهکار مقابله با ناامیدی اجتماعی معرفی می کند. وقتی جامعه ای بیاموزد که از دست دادن یک فرصت یا ثروت، پایان جهان نیست، در برابر تکانه های اقتصادی مقاوم تر می شود.

در حکمت ۳۱ نهج البلاغه، زهد یکی از پایه های صبر معرفی شده است: «کسی که در دنیا زهد بوزد، مصیبت ها را ناچیز می شمارد». این «ناچیز شمردن مصیبت»، قدرت تاب آوری اجتماعی را افزایش می دهد. فرهنگی که در آن مردم با هر تغییر در قیمت ارز یا از دست دادن یک موقعیت شغلی دچار فروپاشی روانی می شوند، فاقد زهد مد نظر آیه ۲۳ سوره حدید است. نگاه نهج البلاغه به ما می آموزد که انسان زاهد، در طوفان های حوادث، لنگرگاه ثابتی دارد که همان پیوند با حقیقت لایزال الهی است. این آرامش، از سرایت تنش های فردی به کالبد جامعه جلوگیری کرده و نظم اجتماعی را در زمان بحران حفظ می کند.

پایان آیه ۲۳ سوره حدید با لحنی تند می فرماید: «وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كَلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد). نهج البلاغه در بسیاری از خطبه ها (مانند خطبه متقین یا خطبه قاصعه)، ریشه تمام زوال های اجتماعی را «کبر» می داند. انسانی که به داشته هایش می بالد (فرح بما آتاکم)، ناگزیر به تحقیر دیگران می پردازد.

از منظر فرهنگی، «مختال» کسی است که دچار توهم برتری شده و «فخور» کسی است که این برتری موهوم را به رخ دیگران می کشد. امیرالمؤمنین (ع) زهد را دقیقا در نقطه مقابل این رذیلت قرار می دهند. زهد برخاسته از آیه ۲۳، باعث می شود که طبقات مرفه جامعه، ثروت خود را نه وسیله ای برای تفاخر، بلکه امانتی برای خدمت ببینند. اگر این نگاه قرآنی در فرهنگ عمومی نهادینه شود، رفتارهای نمایشی (مانند نمایش ثروت در فضای مجازی یا معماری های اشرافی تفاخرآمیز) که موجب جریحه دار شدن عواطف طبقات ضعیف می شود، از بین خواهد رفت. در واقع، زهد نهج البلاغه، نوعی «تواضع ساختاری» در جامعه ایجاد می کند.

بررسی پیوند میان آیه ۲۳ سوره حدید و آموزه های نهج البلاغه نشان می دهد که معارف علوی، زهد را از یک فضیلت فردی اخلاقی به یک «نظریه جامع اجتماعی و فرهنگی» ارتقا داده است. زهد در این نگاه، نه به معنای فقر است و نه به معنای تنبلی؛ بلکه به معنای «آزادگی» است.

در نهایت، زهد قرآنی در آینه نهج البلاغه، تلاشی است برای ساختن انسانی که در عین حضور فعال در قلب تمدن و تولید ثروت، قلبش را در گرو زنجیرهای مادی قرار نداده است. این همان «راه روشن» (نهج البلاغه) است که آیه ۲۳ سوره حدید آن را ترسیم کرده و امیرالمؤمنین (ع) با تفسیر عملی و کلامی خود، آن را به یک فرهنگ زندگی بخش مبدل ساخته است. چنین فرهنگی، انسان را از اسارت «اشیاء» رها کرده و به مقام «خليفة اللهی» در روی زمین بازمی گرداند.